

مطالعه تطبیقی حقوق و آزادی های فردی در قانون مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

علی رحیمی^۱

^۱ کارشناسی ارشد حقوق عمومی، گروه حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران،

نویسنده مسئول:

علی رحیمی

شماره ۲۳ / بهار ۱۴۰۰ / ص ۱-۱۱
مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال هفتم)

چکیده

میزان آزادی و نوع آن در هر جامعه ای بیانگر ارزشی است که برای حقوق فردی و جمعی افراد آن جامعه قائل هستند. قانون اساسی در هر جامعه تعیین کننده و در عین حال تضمین کننده ی میزان این آزادی است. حال هدف ما در این پژوهش مطالعه تطبیقی حقوق و آزادی های فردی در قانون مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در این پژوهش ابتدا اصول آزادی و حقوق فردی در قانون مشروطه و متمم آن مورد واکاوی قرار گرفت و سپس اصول آزادی و حقوق فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت. بعد از بررسی این اصول، موارد تغییر و تحول آن ها نسبت به قانون قبل مورد بررسی قرار گرفت و اصول آن با یکدیگر مقایسه شد. نتایج این تطبیق نشان داد که هم در قانون مشروطه و هم در قانون جمهوری اسلامی آزادی مطبوعات نباید به (مبانی اسلام) ضربه وارد کند، اما مبانی اسلام به طور صریح بیان نشده است. با اینکه در مشروطه تعداد احزاب به لحاظ کمی زیاد بود ولی به لحاظ کیفی احزاب کارکرد دقیق امروزی را نداشته اند، در قانون جمهوری اسلامی نیز احزاب دارای سازماندهی هستند اما کارکرد آنچنانی ندارند و در یک راستا عمل می کنند. چه در مشروطه و چه در جمهوری اسلامی این دولت است که متولی تحصیلات و نظام آموزشی می باشد و اگر بخش خصوصی نیز در این راه گام بردارد، باید در چارچوب تمامی ضوابط و مقررات آموزشی کشور و نظام این وظیفه را بر عهده بگیرد، در نتیجه نوآوری در امر آموزش دیده نمی شود و روش تدریس همچنان قدمی است. در مشروطه به (امنیت مسکن) اشاره شده است و در جمهوری اسلامی (تهیه مسکن) مهم شمرده شده است در زمان مشروطه (مجازات های خود خوانده) و (مجازات های خود تعریف شده) بسیار رواج داشت، به خصوص در بافت قومی و قبیله ای و در بستر سنت های روستایی برخی افراد به خاطر جرم های کوچک، کیفرهای سنگین را متحمل شوند. هم قانون اساسی مشروطه و هم قانون اساسی جمهوری اسلامی با استحکام و قدرت به اصول جوهری خود پایبند هستند و تحت هیچ شرایطی حاضر نیستند، اصول جوهری قوانین دگرگون شود.

واژه های کلیدی: حقوق اساسی، آزادی، مشروطه، جمهوری اسلامی ایران.

۱. مقدمه

حقوق اساسی در معنای اصلی عبارت از سازماندهی و ایجاد همزیستی مسالمت آمیز بین عوامل «قدرت» و «آزادی» در هر جامعه سیاسی است. در جوهره ی قدرت «استیلا» و در جوهره ی آزادی «رهایی» است. قدرت و آزادی همواره قرین و همراه افراد انسانی هستند. ریوارول^۱ اندیشمند قرن ۱۸ که قدرت را عامل نظم و آزادی را عامل پیشرفت جوامع می داند، در روابط نظم و آزادی می گوید: «درحالی که که نظم به تنهایی میل به استبداد دارد، آزادی به تنهایی به هرج و مرج فریاد نظم سر می دهند». او می گوید: «موجود انسانی به منزله ی اقیانوس مطلق در جذر و مدی است که بین دو ساحل در نوسان می باشد و در هر رفت و برگشت، از یک طرف دور و به طرف دیگر نزدیک می شود»^۲. بدین ترتیب می توان گفت که ملازمه ی قدرت و آزادی نیازمند نظمی است که قانون اساسی آنرا تامین می کند. «قدرت» و «آزادی» عناصر در ستیزی هستند که حقوق اساسی نقش میانجی و متارکه دهنده ی جنگ را در این میان بر عهده دارد. یکی از استعدادهای اصلی انسان تقابل و ناسازگاری است که در منطق حقوق، هدف رفع ناسازگاری و تنظیم تقابل می باشد^۳. به دنبال پیروزی انقلاب مشروطیت، نخستین قانون اساسی ایران در سال ۱۲۸۵ ه. ش تدوین گشت. این قانون مشتمل بر ۵۱ اصل بود و نخستین قانون اساسی خاورمیانه نیز به شمار می رفت. یک سال بعد نیز متمم این قانون در ۱۰۷ اصل به تصویب رسید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و برگزاری اولین انتخابات که منجر به تعیین نوع حکومت و تشکیل جمهوری اسلامی شد، بحث راجع به قانون اساسی نظام گسترش یافت. قانون اساسی جمهوری اسلامی توسط مجلس بررسی نهایی و پس از سه ماه شور و تشکیل ۶۷ جلسه رسمی علنی، در ۱۷۵ اصل تنظیم شد و در ۱۲ آذر ۱۳۵۸ به تصویب مردم رسید. این قانون نخستین تجربه تلفیق حقوق اساسی جدید با قوانین فقه شیعی در قالب یک حکومت اسلامی بود. توجه به آزادی های مردم، روح استبدادستیزی و تمرکزگرایی و استقلال، از ویژگی های بارز این قانون بود که ما در این پژوهش قصد بررسی آزادی های مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با قانون مشروطیت است.

اصول حقوق و آزادی در قانون مشروطه

اصل هفتم «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهد بود»^۴. اصل هشتم، یکی از مهم ترین اصول متمم قانون اساسی است، که در صدر اصول مربوط به حقوق فردی قرار دارد. براساس این اصل: «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی، متاوی الحقوق خواهند بود». این برابری در برابر قانون دولتی، اصلی اساسی در حقوق جدید است و بنیان آن، چنان که اگر این اصل در قوانین اساسی وجود نداشته باشد نمی توان انتظار بسط قوانین دیگر را داشت، به این معنا که ما برابری ای در پیشگاه قانون وجود نداشته باشد، امکان اعمال قانون بر افراد وجود نخواهد داشت. در پیش نویس متمم قانون اساسی، اصل مربوط به برابری در پیشگاه قانون، این گونه پیش بینی شده بود: «حقوق اهالی مملکت، کلینا محفوظ است. شئون و درجات شخصیه، موجب تباین حقوق نخواهد بود. یعنی ایرانی ها از حیث حقوق. در مقابل قانون یکسان هستند». اصلاحات اصل هشتم متمم، به سوی کاستن نکاتی که مشروعه خواهان در آن نشانه هایی از «برابری در قانون» می دیدند و جلب اعتماد آنها حرکت می کرد. در این اصل از همان آغاز قیدهایی مانند: «شئون و درجات شخصیه، موجب تباین حقوق نخواهد بود»، تعبیه شده بود که تصریح می کردند، اصل هشتم، متصرف از اصل برابری در قانون است، اما این قدها، مخالفان را خرسند نمی کرد. در نخستین شکل اصل هشتم آن گونه که در پیش نویس متمم آمده بود. اصل ابرابری در مقابل قانون به این شکل ثبت شده است: «ایرانی ها از حیث حقوق، در مقابل قانون، یکسان هستند». شاید عبارت «از حیث حقوق»، این نگرانی را در مخالفان اصل بر می انگیزد. این عبارت تا آخرین نسخه های اصلاح شده متن اصل هشتم متمم باقی ماند و در آخرین اصلاحات، از ساختار اصل برداشته شد^۵.

«این اصل نشان می دهد که قانون گذاران، در این دوره بین قانون دولتی و حکم شرعی، تمایز قائل بودند. قانون دولتی، ناظر به «امور نوعی» مردم ایران، اعم از مسلمان و غیر مسلمان بود. امور نوعی، اموری هستند که در حوزه مباحات و با توجه به سهم و اشتراک افراد جامعه در امور مشترک مردم قرار دارند و این حکم، غیر از حکم شرعی است که بر عدم تساوی بین مسلمانان و نیز مسلمانان و غیر مسلمانان استوار است»^۵. بی گمان، اجرای مساوی قانون برای همه افراد، بدون در نظر گرفتن جهات شخصیه و اضافات خاصه، از اصول

^۱ -Rivarol

^۲ -Gean Gicquel: Droit constitutionnel ET institutions politiques, p 18.

^۳ -هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی. نشر میزان. چاپ اول. ۱۳۹۰، ص ۴۱.

^۴ سلطانی، ناصر (۱۳۹۱)، «مفهوم برابری در مقابل قانون در متمم قانون اساسی مشروطیت»، مطالعات حقوقی، شماره ۷.

^۵ فیرجی، داود (۱۳۹۰)، فقه و سیاست در ایران معاصر: فقه سیاسی و فقه مشروطه، تهران: نشر نی.

اولیه مساوات است که در ساخت منحنی قدیم قدرت، به گونه ای آشکار، پایمال و به هیچ عنوان، مراعات نمی شد؛ از این رو، توجه مشروطه خواهان عمدتاً متوجه آن بود و بر تحقق آن اصرار داشتند. اصل تساوی حقوق همه مردم، در متمم قانون اساسی، یکی از موضوعات مورد بحث در میان همه طرفداران مشروطیت بود و با ابهام هایی، در قانون اساسی نیز وارد شد. تساوی همه افراد، اصل مهمی در قانون اساسی بود.^۶

مساواتی که در قانون اساسی آمده است. افزون بر استعمال آن در نظام سنت قدمایی، به ویژه ناظر بر مساوات در امور عرفی و قوانین موضوعه است. تدوین این قانون های موضوعه، مهم ترین ایراد مخالفان مشروطیت، به نظام آزادی بود. با اعلام مشروطیت و تدوین قانون اساسی، که هدف اصلی آن، محدود کردن تصرفات شاه و کارگزاران حکومتی بود، قرار بود مجموعه هایی از قوانین موضوعه به تصویب مجلس برسد تا نظام حکومت قانون برقرار شود.

اصول نهم تا نوزدهم، به این مسائل می پردازند: «مصون» بودن افراد از حیث جان و مال و مسکن، دستگیر نکردن افراد بر طبق قانون، اجرا نشدن هیچ حکم و مجازاتی «مگر به حکم قانون»، محفوظ بودن «منزل و خانه هرکس»، ممنوعیت «نفی بلد»، تصرف نکردن هیچ ملکی «مگر با مجوز قانون»، ممنوعیت «ضبط املاک و اموال مردم، به عنوان مجازات»، ممنوعیت «سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال منصرفه ایشان»، آزادی «تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع» به جز مواردی که شرع ممنوع کرده است، و در تکمیل آن، «تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملتی» و اجباری بودن «تحصیل».

اصل دهم مشروطه م «غیر از مواقع ارتکاب جرم و جنایات و تقصیرات عمده، هیچکس را نمی توان فوراً دستگیر نمود، مگر به حکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت به او اعلام و اشعار شود».

اصل دوازدهم مشروطه م «حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی شود، مگر به موجب قانون».

اصل سیزدهم مشروطه م «منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهراً نمی توان وارد شد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون مشخص کرده است».

اصل پانزدهم (مشروطه م) «مجلس شورای ملی حق دارد، در عموم مسایل آنچه را صلاح مملکت و ملت می داند، پس از مذاکره و مذاقه از روی راستی و درستی عنوان کرده با رعایت اکثریت آراء در کمال امنیت و با تصویب مجلس سنا به توسط شخص اول دولت به عرض برساند، که به صحنه همایونی موشح و به موقع اجراء گذارده شود».

اصل نوزدهم مشروطه م «تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالییه و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد».

اصل بیستم متمم قانون اساسی، اصلی بسیار مهم و در عین حال، جنجالی بود. براساس این اصل، «عامه مطبوعات، غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است، ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود، نشر دهنده یا نویسنده، بر طبق قانون مطبوعات، مجازات می شود. اگر نویسنده، معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند»، حقوق و آزادی های عمومی تاحدی که در متمم قانون اساسی شناسایی شدند، تحت تأثیر فقها بوده اند و می توان ادعا کرد که حقها، مبتنی بر منبع شریعت تنظیم شده اند و اگر مواردی نادر قابل نقد شرع بوده، بعضاً قیدهایی ذکر شده اند که بتواند نظر فقها را نیز تأمین کند.

اصل بیستم مشروطه م «عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هرگاه چندی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود، نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می شود، اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند».

اصل بیست و یکم مشروطه م «انجمن ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و مخل به نظم نباشند، در تمام مملکت آزاد است، ولی مجتمعات با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر می کند، باید متابعت نماید، اجتماعات در شوارع و میدان های عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشد».

اصول بیست و یکم تا بیست و پنجم، به این موارد اشاره دارند: آزادی «انجمن ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشند»، محفوظ بودن مراسلات پستی». نکته گفتنی برای تکمیل مباحث این بخش، توجه نویسندگان متمم قانون اساسی به این نکته

۶ طباطبایی، جواد (۱۳۹۱)، تاملی درباره ی ایران، جلد دوم: نظریه ی حکومت قانون در ایران، بخش نخست: مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی، تهران: انتشارات مینوی خرد.

است که آنچه در اصول یاد شده استثنا شده است، این است که این گونه ترتیبات باید قانونی باشد. همین مسئله نشان می دهد که در تمام قسمت های متمم قانون اساسی، به «دال» قانون، به عنوان اصلی ترین خواسته جنبش مشروطه خواهی توجه شده است.^۷

اصول حقوق و آزادی فردی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

یکی از بخش های مهم قانون اساسی هر کشوری، بخش حقوق و آزادی های اساسی مردم است، این بخش مهم ترین رکن هر قانون به شمار می آید، زیرا در این بخش است که اسب سرکش قدرت با لجام قانون اساسی محدود می شود و رابطه ی افراد با دولت مشخص می گردد. بر این مبنا حقوق ملت، از مباحث محوری نظام های سیاسی است که در قانون اساسی نظام های سیاسی بر آن تأکید می شود و کشورهای مختلف جهان می کوشند آن را سرلوحه ی قانون اساسی و درخشانترین فصل آن قرار دهند. به همین دلیل، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نیز اصول متعددی را به حقوق و آزادی های فردی، اجتماعی، قضایی و امنیتی مردم اختصاص داده است. از آن جایی که آزادی از محورهای اساسی و از آرمان ها و اهداف اصلی انقلاب اسلامی ایران بوده است. قانون اساسی مذکور به عنوان مهم ترین محور قوانین در تعیین و تعریف حدود آزادی های فردی، از یک سو، حد و مرز آزادی افراد را در برابر عملکرد قدرت و از سوی دیگر، حدود اعمال قوای عمومی را در برخورد با حوزه ی حقوق فردی ترسیم می کند. این قانون که مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران است، در کنار تعیین و تعریف حدود آزادی های ملت، متضمن تامین حقوق و آزادی های فردی ایشان نیز هست.

بند اول: حقوق و آزادی های جسمی

آزادی جسمی در اینجا بدان معناست که شخص در رفت و آمد، اقامت و ترک محل زندگی، پذیرش تابعیت کشور خود یا کشور دیگر و ... آزاد باشد و از توقیف بدون دلیل مصون و محفوظ بماند.

الف) آزادی تن: این نوع آزادی که از آن با عناوین آزادی شخصی، آزادی فردی به معنی خاص و یا اختیار نفس هم تعبیر می شود، متضمن آزادی بدنی هر فرد است و در واقع، موقعیتی است که اجبار افراد و جامعه و هر نیروی خارج از اراده شخص، به حداقل ممکن کاهش یابد؛ به عبارت دیگر، آزادی تن حالتی است که انسان تابع تصمیم یک طرفه و مستبدانه دیگری نباشد و در هر مورد بنا بر تصمیم خود اقدام کند، به طوری که بتواند از هر نقطه کشور به نقطه دیگر آن مسافرت نموده و یا نقل مکان کند یا از کشور خود خارج شده و به آن مراجعت نماید و از توقیف بدون جهت محفوظ و مصون باشد. نتیجه این آزادی لغو بردگی و بیگاری و منع توقیف و حبس بدون مجوز اشخاص است.^۸

ب) آزادی انتخاب مسکن و اقامتگاه: بر اساس این اصل، هر کس حق دارد محل سکونت خود را انتخاب کند و در این مورد هیچگونه تحمیلی بر او جایز نیست؛ بنابراین گزینش محل مسکونی و نقل و انتقال آن برحسب اراده فرد انجام می شود.^۹ در این رابطه اصل سی و سوم قانون اساسی مقرر می دارد: «هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد».

ج) آزادی مکاتبات و ارتباطات: اصل آزادی مکاتبات و ارتباطات، بر کلیه وسایل ارتباطی متعارف و مجاز و ارتباطاتی که به وسیله آن ها صورت می گیرد، نظیر تلفن، تلگراف، تلکس، پست الکترونیک، فکس و مانند آن ها نیز برحسب مورد حاکم است. بر اساس این اصل، افراد در استفاده از وسایل مذکور و برقراری ارتباط با دیگران، در حدود قانون آزاد هستند و هیچکس حق ندارد این آزادی را از ایشان سلب نماید. اصل بیست و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نرساندن نامه ها، عدم مخابره و نرساندن مکالمات تلفنی، تلگرافی و تلکس را ممنوع دانسته است. با این حال در برخی موارد و در جهت حفظ امنیت و منافع ملی و با کسب اجازه از مراجع قضایی ذی صلاح، مراجع امنیتی و انتظامی، مجاز به عدول از اصل مزبور شناخته می شوند.^{۱۰}

د) آزادی رفت و آمد: حق عبور و مرور آزاد در داخل کشور، خروج از آن و بازگشت به آن از حقوق ابتدایی شناخته شده افراد در کشورهای مردمی است. البته بر این اصل کلی مقرراتی حاکم و استثنائاتی نیز وارد است. اخذ گذرنامه به عنوان مجوز عبور و مرور از

۷- اکبری، یحیی (۱۳۹۵)، «ورود مفهوم حق به ایران و برخورد قانون گذار اساسی با آن در عصر مشروطه»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۵ (۱۰).

۸- مدنی، سید جلال الدین، حقوق اساسی و نهادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات همراه، ۱۳۷۰، ص ۱۸۷.

۹- قاضی، ابوالفضل، بایسته های حقوق اساسی، چاپ سی و هفتم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵.

۱۰- مو سوی بجنوردی، سید محمد، بررسی فقهی- حقوقی حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشریه متین، شماره ۳۰، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.

مرزهای کشور که در چارچوب منافع کشورها تهیه می شود، الزامی بوده و صادرکنندگان گذرنامه، البته طبق قانون حق دارند، در جهت منافع کشور از صدور آن خودداری نمایند^{۱۱}.

ه) مصونیت از تعرض: در اصل ۲۲ قانون اساسی در این مورد آمده است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

و) مصونیت از تبعید: یکی از انواع آزادی فردی در قانون اساسی، آزادی انتخاب محل اقامت است و هر کس حق دارد محل زندگی و اقامت خود را انتخاب کند یا از جایی که نمی خواهد زندگی کند، هجرت نماید. قانون اساسی هم به این امر مهم توجه کرده و در اصل ۳۳ درباره ی اینگونه آزادی فردی آورده است: «هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد»^{۱۲}.

ز) مصونیت از شکنجه: از موارد ضد انسانی که در حال حاضر در دنیا رایج است، شکنجه و تحت فشار قرار دادن افراد برای گرفتن اقرار است. اصل ۳۸ قانون اساسی نه تنها این امر ضد بشری را ممنوع، بلکه آن را فاقد اعتبار دانسته و متخلف از این اصل را قابل مجازات می داند^{۱۳}.

ح) مصونیت از هتک حرمت: هیچکس حق ندارد به فردی حتی کسی که به حکم قانون دستگیر، زندانی یا تبعید شده، بی احترامی کند و حیثیت او را پایمال نماید. در اصل ۳۹ قانون اساسی در این مورد به صراحت آمده است: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع است و موجب مجازات است».

ط) مصونیت از توقیف غیرقانونی: بر اساس اصل ۳۲ قانون اساسی؛ اولاً هیچکس را نمی توان بازداشت کرد مگر با حکم و ترتیبی که در قانون مشخص شده است. ثانیاً در صورت بازداشت افراد، اتهام باید با ذکر دلیل بلافاصله به صورت کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم شود. ثالثاً حداکثر به مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه ی فرد فراهم گردد^{۱۴}.

ی) مصونیت از افشای امور خصوصی: از مواردی که به آن بسیار سفارش شده و مبانی فقهی نیز دارد، عدم افشای امور شخصی و خصوصی افراد است. به همین دلیل، قانونگذار نیز به این امور خصوصی افراد توجه نموده و بازرسی، ضبط و افشای آن ها را ممنوع کرده است. در اصل ۲۵ قانون اساسی آمده است: «بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

بند دوم: حقوق و آزادی های مربوط به اندیشه و بیان

یکی از ارزش های مورد توجه در حقوق بشر و به عنوان یکی از آزادی های بنیادینی که پایه دموکراسی و کرامت انسانی و جریان آزاد اطلاعات بر اساس آن شکل می گیرد آزادی مربوط به اندیشه و بیان می باشد^{۱۵}. آزادی فکر، اندیشه و عقیده به این معناست که داشتن هرگونه فکر و عقیده آزاد است و کسی را نباید به صرف داشتن فکر و عقیده، تحت پیگرد قرارداد. اما بیان و اظهار عقیده در هر جامعه ای تابع قوانین و مقررات خاصی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل آزادی عقیده در اصل ۲۳ مقرر داشته است: «هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد». البته بر این اصل کلی استثنایی در فقه اسلامی وارد است که از آن به نام ارتداد یاد می شود. در فقه اسلامی، ارتداد نوعی از فساد عقیده سیاسی است و عبارت است از خروج مسلمان از دین اسلام. ارتداد بزرگترین جرم در قانون جزایی اسلام شناخته شده و مجازات آن از همه مجازات ها شدیدتر است. هر چند هنوز جزئیات اجرائی آن با ابهام مواجه می باشد^{۱۶}.

الف) آزادی عقیده: بر اساس این اصل، افراد حق دارند در درون خود، هرگونه اعتقاد و باوری نسبت به اخلاق، مذهب، سیاست، فلسفه و... داشته باشند. البته جایگاه عقیده در قلمرو پنهانی وجود انسان جای دارد و پی بردن به چندوچون آن دشوار و گاه محال است. باید توجه داشت که داشتن عقیده با ابراز و بیان آن متفاوت است. آزادی عقیده به معنای آزادی ابراز و بیان آن نیست. شمول آزادی بر هرگونه عقیده، تنها ناظر به وجود این عقاید در ذهن و ضمیر باطنی افراد است و طبعاً تا هنگامی که در این حد وجود داشته باشد و بروز و ظهور

۱۱- شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهل و نهم، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲.

۱۲- موسوی بجنوردی، منبع پیشین، ص ۱۱۴.

۱۳- مهرپور، حسین، نظام بین الملل حقوق بشر، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۳، ص ۳۷۱.

۱۴- سعید، بهزاد پور، بازداشت موقت در تعارض با حقوق و آزادی های اساسی مردم، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵، ۱۳۷۹، ص ۵۴-۵۷.

۱۵- قاسمی، مرضیه، آزادی بیان در قوانین ملی و بین المللی، ۱۳۹۳، ص ۸۷.

۱۶- سراجی، محمود، حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۳۸۸، ص ۱۶.

خارجی نیابد، هیچ تأثیری در حیات اجتماعی انسان ها ندارد. در غیر این صورت هنگامی که بروز و بیان این عقاید بانظم عمومی، منافع عمومی و یا احساسات ملت ها، تعارض یابد، با محدودیت هایی از طرف قانونگذار مواجه می شود.

ب) آزادی مطبوعات: همان طوری که اشخاص حقیقی در چارچوب قانون در بیان نظر و عقیده آزاد هستند، اشخاص حقوقی یعنی مطبوعات، نشریات، روزنامه ها و ... نیز در بیان مطالب و عقاید خود کاملاً آزاد هستند، مگر اینکه مطالب شان مغایر با اسلام و تهدید کننده ی امنیت ملی و حقوق فردی باشد. اصل ۲۴ قانون اساسی مبین چنین مطلبی است. اصل آزادی مطبوعات که از آن با عنوان آزادی اخبار و اطلاعات نیز یاد می شود، ناشی از حق شهروندان در دسترسی به درست ترین و صادقانه ترین اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی است. مطبوعات علاوه بر آنکه مجرای برای آزادی بیان هستند، متضمن حقوق شهروندان در حاکمیت ملی و آگاهی از مآلوق داخلی و خارجی و ابعاد مختلف قضایای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی بوده و همچنین پی جویی حقایق و واقعیات جامعه هستند^{۱۷}. به علاوه در دنیای معاصر، مطبوعات را رکن چهارم دموکراسی می دانند^{۱۸}، زیرا واکنش مردم، هنگام انتخابات و همه پرسی و تصمیم گیری های مهم، منوط به آزادی مطبوعات و دسترسی شهروندان به واقعیات جامعه است^{۱۹}. بر این اساس دولت ها حق ندارند به بهانه مصلحت اجتماعی، از طریق پرده پوشی و استتار، مردم را در بی خبری قرار دهند یا از حقایق منحرف سازند یا گمراه کنند؛ بنابراین، آزادی مطبوعات عبارت است از؛ آزادی افراد در نشر افکار، عقاید و اخبار، از طریق نوشته و مطبوعات، بدون اینکه نشر آن ها موقوف به تحصیل اجازه یا محکوم به سانسور باشد. بر این اساس، قانون اساسی در اصل ۲۴ نشریات و مطبوعات را در بیان مطالب، به شرط رعایت مبانی اسلامی و حقوق عمومی، آزاد می داند. چرا که ممکن است، از این گونه آزادی ها سوءاستفاده شود و آزادی بهانه ای برای انتشار مطالب نادرست و اخلاص در نظم عمومی و مصالح جامعه گردد.

ج) آزادی بیان: اصل آزادی بیان به معنای آزادی اظهار اندیشه، عقیده، افکار و سلیقه است. این گونه آزادی، حقوقی به فرد اعطا می نماید تا به وسیله سخن یا از طریق مطبوعات، کتب و آثار، کنفرانس، پژوهش و تحقیق و ... اندیشه و عقاید خود را برای همه مردم بازگو نماید. آزادی بیان، حقوق انسان را در زمینه بروز دادن عقاید و اندیشه، بدون هراس از تعقیب و مجازات و بازداشت تضمین می کند^{۲۰}. در این خصوص، اصل بیست و چهارم قانون اساسی، در حالی که آزادی بیان را مقید به نشریات و مطبوعات نموده است، مقرر نموده: «نشریات و مطبوعات در بیان مطلب آزادند، مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند». به این ترتیب اولاً قانون اساسی، اساس آزادی بیان و مطبوعات را پذیرفته و تصریح کرده است. ثانیاً، این آزادی به طور مطلق و نامحدود و بدون قید و بند در نظر گرفته نشده و دارای دو قید است: یکی مبانی اسلامی و دیگری حقوق عمومی، ثالثاً، بیان کیفیت و تفصیل آن در قالب قوانین عادی مقرر شده است^{۲۱}.

د) آزادی مذهب: به موجب اصل آزادی مذهب، هر فرد حق دارد که در امور مذهبی، دارای عقیده یا فاقد عقیده باشد و عقیده خود را فاش کرده و تعلیم بدهد و به طور علنی، فکر مطابق عقیده خود را به معرض عمل درآورد. بر این اساس، باید بین آزادی مذهب و آزادی عقیده تمایز قائل شد. در حالی که آزادی عقیده، فاقد تظاهر و نمود خارجی است، آزادی مذهبی مستلزم برخی اعمال و نمودهای خارجی شناخته می شود: انجام مراسم مذهبی، پرداختن به تعلیم و تربیت دینی و عمل به احکام دینی و مذهبی در تمام شئون زندگی پیروان ادیان، از لوازم و جزئی آزادی مذهبی محسوب می شود. البته در بسیاری از کشورها، آزادی مذهبی مشروط به حدود و موازینی است که قوانین در جهت حفظ نظم عمومی برقرار کرده اند^{۲۲}. مثلاً دولت اجازه نخواهد داد که اجرای مراسم مذهبی اقلیت، احساسات اکثریت مردم را جریحه دار کند.

بند سوم: حق امنیت قضایی

اصول متعددی در فصل سوم قانون اساسی بر حق امنیت قضایی مردم دلالت دارد. معنای امنیت قضایی این است که افراد یک کشور، احساس کنند که بی دلیل و برخلاف قانون تحت تعقیب و پیگرد قرار نمی گیرند و به بهانه های واهی، حکم دستگیری، جلب و احضار آن ها صادر نمی شود^{۲۳} و مادامی که دلیلی بر مجرمیت نباشد، مجرم به حساب نمی آیند^{۲۴} و نیز افراد یک کشور، باور داشته باشند که در

۱۷- رحیمی، مصطفی، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، چاپ اول، تهران، انتشارات سینا، ۱۳۹۰، ص ۲۳۹.

۱۸- قاضی، ابوالفضل، بایسته های حقوق اساسی، چاپ سی و هفتم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰.

۱۹- دورتات، میا، آزادی بیان و آزادی مطبوعات یک حق انسانی است، ترجمه اسماعیل مقدم، نشریه رسانه، شماره ۴۵، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷.

۲۰- قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۸۳، ص ۵۶۴-۵۶۵.

۲۱- مدنیان، غلامرضا، تضمین حقوق و آزادی های اساسی شهروندان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳.

۲۲- ساداتی، سید محمود، حقوق و آزادی اقلیت های دینی در ایران، مجله دادرسی، شماره ۸۷، ۱۳۹۰، ص ۲۲-۲۳.

۲۳- اصل سی و دوم قانون اساسی.

صورت اتهام و دستگیری؛ برخوردها، بازجویی ها، محاکمات و داوری، کاملاً انسانی و بر اساس قانون خواهد بود و هر فرد حق دارد، جهت اثبات براءت خود، وکیل بگیرد و حتی در صورت عدم تمکن فرد برای گرفتن وکیل، امکانات تعیین وکیل را برای وی فراهم سازند^{۲۵} و از این بالاتر، حتی در صورت ارتکاب جرم و اثبات مجرمیت، بازجویی، محاکمه و مجازات، در محدوده قانون خواهد بود و از شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاعات و اجبار به شهادت، اقرار یا سوگند و نیز هتک حرمت^{۲۶} و حیثیت خبری^{۲۷} نخواهد بود. حقوق و آزادی های مبتنی بر امنیت قضایی عبارتند از:

(الف) حق دادخواهی: یکی دیگر از عوامل احساس امنیت قضایی، این است که افراد یک کشور، حق داشته باشند دادخواهی کنند و به دادگاه های صالح، جهت طرح شکایت و اقامه دعوا مراجعه نمایند^{۲۸} و این گونه دادگاه ها در دسترس ایشان باشند. اصول مختلف فصل سوم قانون اساسی که به حقوق ملت اختصاص دارد، مانند اصول سی و دوم تا سی و نهم، مربوط به امنیت قضایی است. دادخواهی یعنی اینکه اگر کسی مورد ظلم و تعدی واقع شد حق و توان دادخواهی و مراجعه به مقامات صلاحیت دار قانونی را داشته باشد تا با استمداد از آنها، بتواند حقوق از دست رفته اش را استیفاء کند و متجاوزان نیز به سزای اعمال خود برسند. این حق مسلم همه ی مردم ایران اعم از مسلمان و غیرمسلمان است. در اصل ۳۴ آمده است: «دادخواهی حق مسلم هر فرد ایرانی است و هرکس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید».

(ب) حق انتخاب وکیل: بسیاری از مردم به علت عدم آشنایی با قوانین قضایی توان احقاق حقوق خود را ندارند. ازاینرو، قانون اساسی به آنها اجازه داده است که برای دفاع از خود و حقوق خود، وکیل انتخاب کنند، و در صورت عدم توانایی، امکان تعیین آن را برای شان فراهم گردد. در اصل ۳۵ مقرر شده که: «در همه ی دادگاه ها، طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد»^{۲۹}.

(ج) اصل علنی بودن محاکمات: به موجب اصل ۱۶۵ قانون اساسی، محاکمات در دادگاه باید به صورت علنی انجام شود و حضور افراد در دادگاه هم بلامانع است، مگر اینکه قاضی تشخیص دهد که علنی بودن دادگاه منافی عفت عمومی یا نظم عمومی است، یا اینکه طرفین دعوا بنا به دلایلی تقاضا کنند که دادگاه به صورت غیرعلنی باشد^{۳۰}.

بند چهارم: حقوق و آزادی های مدنی

این حقوق غالباً به حقوقی اشاره دارد که شهروندان در اجتماع برای ادامه حیات خود به آنها نیاز اساسی دارند.

(الف) آزادی و حق داشتن شغل مناسب: اشتغال هر فرد در نظام جمهوری اسلامی ایران از دو جهت مورد توجه اصل ۲۸ قانون اساسی قرار گرفته است. اول اینکه هرکس آزاد است و حق دارد هر نوع شغلی را که بدان مایل است انتخاب کند، به شرط اینکه مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نباشد، دوم اینکه دولت موظف است، با توجه به نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه ی افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را فراهم کند.

(ب) آزادی و حق داشتن مسکن: در این رابطه اصل ۳۱ قانون اساسی آمده است: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، به خصوص روستائینان و کارگران، زمینه ی اجرای این اصل را فراهم کند». آنچه مسلم است، قانون اساسی داشتن مسکن متناسب با نیاز را حق هر ایرانی دانسته و دولت را موظف به تلاش در این زمینه کرده است.

(ج) حق برخورداری از آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان: تحصیلات رایگان تا پایان دوره متوسطه، حق همه ی مردم ایران است. علاوه بر این، قانون اساسی دولت را موظف کرده، تا زمینه ی تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان فراهم کند. در اصل ۳۰ آمده است: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ی ملت تا پایان دوره ی متوسطه فراهم

۲۴- اصل سی و هفتم قانون اساسی.

۲۵- اصل سی و پنجم قانون اساسی.

۲۶- اصل سی و هشتم قانون اساسی.

۲۷- اصل سی و نهم قانون اساسی.

۲۸- محمد نژاد، پرویز، تضمین های حقوقی متهم در حقوق کیفری ایران، مجله اطلاع و تربیت، شماره ۵۸، ۱۳۸۷، ص ۳۵-۳۹.

۲۹- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۷، ص ۲۰.

۳۰- مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴، ص ۱۴۹.

سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حدّ خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». قانونگذار به این امر اکتفا نکرده و حتّی تربیت بدنی رایگان را برای همه ی مردم در نظر گرفته است و دولت را موظف به فراهم کردن زمینه ی آن نموده است.^{۳۱}

د) حق برخورداری از تأمین اجتماعی: افراد جامعه ممکن است بنابر دلایلی توان تأمین زندگی و اداره ی اقتصادی خانواده ی خود را نداشته باشند. از این رو، قانون اساسی، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظربازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره را حق همگانی مردم دانسته است. قانون اساسی در اصل ۲۹، دولت را مکلف می کند که طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.^{۳۲}

ه) آزادی و حق برخورداری از کسب و کار و مالکیت مشروع : قانون اساسی، نه همانند نظام مارکسیسم، مالکیت را به طور کلی حذف و نادیده گرفته است و نه همانند نظام سرمایه داری غرب آن را بی قید و بند گذاشته است، بلکه بر اساس تعالیم اسلام، مالکیت خصوصی را به رسمیت شناخته است. اما ابزارها و راه هایی را نیز پیش بینی کرده که در صورت رعایت آن ها، بی عدالتی و ثروت اندوزی های نامشروع و بی حدّ و حصر، مهار خواهد شد. اصل ۴۶ قانون اساسی بیان می دارد: «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچکس نمی تواند به عنوان مالکیت، نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند». در اصل ۴۷ قانون اساسی آمده است: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می کند».^{۳۳}

۳۱- رحیمی، مصطفی، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، چاپ اول، تهران، انتشارات سینا، ۱۳۹۰، ص ۲۳۶.

۳۲- مجتهدی، محمدرضا، حقوق تأمین اجتماعی، چاپ اول، تبریز: انتشارات آیدین، ۱۳۹۱، ص ۹۱.

۳۳- موسوی بجنوردی، سید محمد، بررسی فقهی- حقوقی حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشریه متین، شماره ۳۰، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸.

نتایج بررسی تطبیقی

مهم ترین و اساسی ترین نقطه اشتراک بین اصل بیستم مشروطه و اصل بیست و چهار جمهوری اسلامی این می باشد، که آزادی مطبوعات نباید به (مبانی اسلام) ضربه وارد کند. البته در جمهوری اسلامی بحث (حقوق عمومی) نیز آمده است که مطبوعات نباید به حقوق عمومی نیز آسیب بزند، اما سوال اینجاست که (حقوق عمومی) چیست و (مبانی اسلام) کدام است؟ که باید مطبوعات در آنها اختلال ایجاد نکند. منظور از مبانی اسلام اصول اساسی و محوری و کلان اسلام می باشد، در واقع مرز بین اسلام و کفر می تواند مبانی اسلام باشد، به عبارت دیگر اصول توحید، نبوت و معاد، اصول سه گانه (مبانی اسلام) در نظر گرفته شده است. اما (سید محمد هاشمی) بر این باور است، که از مذاکرات خبرگان قانون اساسی چنین بر می آید که عناوینی همچون توهین به مقدسات اسلامی، شعائر دینی، نشر کتب مفصله مبتنی بر رد خدا و پیامبر و تضعیف عقاید مردم از موارد اخلاف به مبانی اسلام بوده است.^{۳۴}

بنابر اصل فوق چه در زمان مشروطه و چه در جمهوری اسلامی دغدغه های نمایندگان و واضعان قانون نسبت به اسلام و مبانی آن بوده و در واقع می توان (مخرج مشترک) اصل فوق را در مشروطه و جمهوری اسلامی (نگرانی های مومنین) نام نهاد.

با اینکه در مشروطه تعداد احزاب به لحاظ کمی زیاد بود ولی به لحاظ کیفی احزاب کارکرد دقیق امروزی را نداشته اند، حزب در زمان مشروطه بیشتر به دسته و گروه شبیه بوده است، اگرچه این گروه و دسته مشترکات سیاسی، عقیدتی نیز داشتند در واقع به لحاظ فنی حزب در زمان مشروطه، مشخصات و مختصات یک حزب تمام عیار را نداشته است، احزاب امروزی دارای سازمان های آموزشی سیاسی، بنیه های اقتصادی قوی، کادربندی و تیم سازی حرفه ای، گزینش های دقیق و منظم پرسنلی، ارتباطات قوی با سایر احزاب و نیروهای سیاسی و... می باشند، که این شاخص ها در زمان مشروطه کمتر مشاهده می شده است اما همچنان از کارایی خاصی برخوردار نیست.

چه در مشروطه و چه در جمهوری اسلامی این دولت است که متولی تحصیلات و نظام آموزشی می باشد و اگر بخش خصوصی نیز در این راه گام بردارد، باید در چارچوب تمامی ضوابط و مقررات آموزشی کشور و نظام این وظیفه را بر عهده بگیرد. حساسیت آموزش و پرورش و نظام آموزشی از آنجا نشأت می گیرد که در واقع آموزش و پرورش گونه ای بیان عقیده و اعلان یک ایدئولوژی مشخص از نظام سیاسی می باشد و نمی توان یک آزادی مطلق را در این نظام متصور شد. همین امر باعث شده که هرگونه تغییرات و نوآوری به کندی سرعت گیرد و آموزش و پرورش کشور دارای روش تدریس ضعیفی است.

در مشروطه به (امنیت مسکن) اشاره شده است و در جمهوری اسلامی (تهیه مسکن) مهم شمرده شده است. شاید علت این باشد که در مشروطه و قبل از آن خانه و کاشانه افراد آنچنان که باید حفاظت نمی شده است و امنیت دغدغه و نگرانی اصلی قانون گذاران بوده است، ضمن اینکه عموم مردم سرپناهی داشته اند که در آن زندگی کنند و (تهیه مسکن) کار مشکلی به نظر نمی رسیده است، اما در زمان جمهوری اسلامی به علت کثرت جمعیت و گرانی مسکن، اقشار آسیب پذیر جامعه در آرزوی مسکن به سر می برده اند و قانون گذاران جمهوری اسلامی سعی کرده اند، با تصویب این قانون اندکی از نگرانی های قشر ضعیف بکاهند، ضمن اینکه در دوره جمهوری اسلامی (امنیت مسکن) امری روشن و بدیهی به نظر می رسد.

اگرچه در زمان تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی اصل (امنیت فردی) و (عدم بازداشت خود سرانه) تقریباً بدیهی و نرمال به نظر می رسید و شاید در تصویب این اصل هیچ گونه مخالفتی مشاهده نشد ولی تصویب این اصل در هنگام مشروطه یعنی زمان (بی قانونی) و نبود حقوق اولیه ملت، جزو پیشروترین و مترقی ترین اصول قانون اساسی به حساب می آید، منظور این است که در طی یک صد سال اخیر بارها و بارها در قوانین حقوقی و بین المللی (امنیت فردی) تکرار شده است، به طور نمونه می توان به ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۹ حقوق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و هم چنین ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر اسلامی اشاره کرد، به عبارتی دیگر در زمان تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی چه به لحاظ تئوریک و ذهنی و چه به لحاظ عینی و بیرونی شرایط برای تصویب این اصل مهیا بود ولی در یک صد سال پیش، هنگام مشروطه تصویب این اصل از شاهکارهای واضعان قانون در آن زمان می باشد.

در زمان مشروطه (مجازات های خود خوانده) و (مجازات های خود تعریف شده) بسیار رواج داشت، به خصوص در بافت قومی و قبیله ای و در بستر سنت های روستایی برخی افراد به خاطر جرم های کوچک، کیفرهای سنگین را متحمل شوند، به عبارتی دیگر در دستگاه حقوقی خود ساخته عرفی آن زمان (جرم) هیچ تناسبی با (کیفر) نداشت، تصویب این اصل در زمان مشروطه و محدود کردن (مجازات) به وسیله (قانون) دستاورد بزرگی بود ولی در زمان تصویب این اصل در جمهوری اسلامی اصل فوق به پختگی و بلوغ بیشتری دست یافت، زیرا علم حقوق با گذشت زمان توانست اولاً (جرم) را تعریف کند، ثانیاً مصادیق جرم را شناسایی کند، ثالثاً برای هر جرم متناسب با آن

(کیفر) در نظر بگیرد، در علم حقوق مدرن "جرم، کنش های مخالف نظم اجتماعی است که مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی برای آنها در نظر گرفته شده است"^{۳۵}

بنابراین باید اذعان داشت، اصل فوق دارای یک سیر تکاملی است که از مشروطه آغاز و در جمهوری اسلامی کامل شده است. (حق وضع قانون) از مهمترین و اصلی ترین اختیارات نمایندگان می باشد که هم در اصل مشروطه و هم اصل جمهوری اسلامی برای آن جایگاه ویژه ای در نظر گرفته شده است.

در زمان مشروطه بحثی پیرامون عزل رییس قوه مجریه و هیأت وزیران در نظر گرفته نشده بود، اما این مهم در زمان جمهوری اسلامی پیش بینی شده بود، یک نکته دیگر که باید به آن اشاره کرد، این می باشد که اگر مجلس به هر وزیری که رأی عدم اعتماد بدهد، بلافاصله وزیر باید از مقام خود کناره گیری کند ولی رأی عدم کفایت به رییس جمهور فقط زمانی قابل و لازم الاجرا است که رهبری نیز آن را تأیید و ابلاغ نماید.

هم قانون اساسی مشروطه و هم قانون اساسی جمهوری اسلامی با استحکام و قدرت به اصول جوهری خود پایبند هستند و تحت هیچ شرایطی حاضر نیستند، اصول جوهری قوانین دگرگون شود. (اساس مشروطیت) در قانون اساسی مشروطه و (جمهوریت) و (اسلامیت) در قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصول جوهری، لاینفک و غیر قابل تغییر هستند. اما یک نکته دیگر نیز می توان از تطبیق این دو اصل مشاهده کرد و آن هم این است که در قانون اساسی مشروطه پیش بینی خاصی برای تغییر اصول آن مطرح نگردیده است، در حالی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به این مهم به صورت مفصل با شرایط خاص آن اشاره شده است.

ژانت آفاری در مورد اصل هشتم که ذکر شده بود اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود، می گوید؛ گنجاندن این ماده، نوعی جدایی قابل توجه از شریعت بود، زیرا شریعت، حقوق برابر، برای اتباع غیرمسلمان ممالک اسلامی (اهل ذمه) قایل نمی شد، و تصویب چنین ماده ای تا حدود بسیار مرهون تلاش تاجران زردشتی ایران و هند بود که به مجلس فشار می آوردند تا حقوق آن ها را به رسمیت بشناسند^{۳۶}. به همین علت بود که برخی از علما از اصل هشتم ایراد گرفته و گفتند «مسلم و کافر در دیه و حدود متساوی نتواند بود. اگر مسلمانی یک یهودی یا یک زردشتی یا یک کافر دیگری را کشت او را به کیفر نتوان کشتن و باید «دیه» گرفت»^{۳۷}.

اصول ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ مبنی بر حمایت قانون از افراد و حقوق آنان در برابر دادگاه ها و جلوگیری از هر گونه مجازات غیر قانونی افراد و آزادی سکونت و امثال آن است^{۳۸}. اصول ۱۵، ۱۶ و ۱۷ ناظر بر حق مالکیت و اصول ۱۸ و ۱۹ مربوط به آزادی تحصیل و تعلیم و تعلم و ایجاد مدارس و لزوم اجرای تعلیمات اجباری زیر نظر وزارت علوم و معارف است^{۳۹}.

این دو بخش به نوعی ضامن آموزش رایگان نیز بود. علما درباره ی اصل نوزدهم نیز ایراد گرفته و می گفتند: «تحصیل اجباری مخالف شریعت است»^{۴۰}. اصل بیستم درباره ی آزادی مطبوعات است و عبارت است از: عامه ی مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین آزاد و ممیزی در آنان ممنوع است. که علما نیز در این مورد مخالفت کرده و می گفتند: باید تحت نظر علما باشد^{۴۱}. اصل ۲۱ نیز انجمن ها و اجتماعات مردم را به رسمیت می شناخت، به شرط اینکه مولد فتنه ی دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشد^{۴۲}.

با توجه به آنچه که بیان شده به وضوح مشاهده می شود که چگونه قانون اساسی یک کشور بر همه جوانب زندگی افراد جامعه و نیازی های ضروری و اساسی انسان ها تأثیر می گذارد. لذا قانون اساسی یک کشور همواره باید مورد بازنگری قرار گیرد و متناسب با نیازهای افراد جامعه تغییر کند، در این صورت است که قانون اساسی می تواند حقوق افراد جامعه را رعایت کند و دیگر شاهد مشکلات اساسی در نیازهای ضروری افراد جامعه نخواهد بود و به نوبه خود باعث کاهش جرایم خواهد شد.

۳۵- ساعد، وکیل و عسگری، پوریا، قانون اساسی در نظم کنونی، مجد، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰.

۳۶- آفاری، ژانت، «انقلاب مشروطه ایران، نشر بیستون، ۱۳۸۵، ص ۱۴۷ و ۱۴۶.

۳۷- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، ۱۳۹۸، ص ۳۳۱.

۳۸- شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، ناشر: زریاب، ۱۳۹۰، ص ۴۷۸.

۳۹- همان، ص ۴۷۹.

۴۰- آفاری، منبع پیشین، ص ۱۴۷.

۴۱- صفایی، ابراهیم، «انقلاب مشروطیت ایران به روایت اسناد، ناشر: ایران یاران، ۱۳۸۰، ص ۲۸۴ و ۲۸۳.

۴۲- همان، ص ۲۸۵.

منابع و مراجع

۱. اکبری، یحیی (۱۳۹۵)، «ورود مفهوم حق به ایران و برخورد قانون گذار اساسی با آن در عصر مشروطه»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۵ (۱۰).
۲. آفاری، ژانت (۱۳۸۵)، انقلاب مشروطه ایران، نشر بیستون، ص ۱۴۷ و ۱۴۶.
۳. دورتات، میا (۱۳۹۰)، آزادی بیان و آزادی مطبوعات یک حق انسانی است، ترجمه اسماعیل مقدم، نشریه رسانه، شماره ۴۵، ص ۱۱۷.
۴. رحیمی، مصطفی (۱۳۹۰)، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، چاپ اول، تهران، انتشارات سینا، ص ۲۳۹.
۵. ساداتی، سید محمود (۱۳۹۰)، حقوق و آزادی اقلیت های دینی در ایران، مجله دادرسی، شماره ۸۷، ص ۲۲-۲۳.
۶. ساعد، وکیل وعسگری، پوریا، قانون اساسی در نظم کنونی، مجد، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰.
۷. سراجی، محمود (۱۳۸۸)، حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۶.
۸. سعید، بهزاد پور (۱۳۷۹)، بازداشت موقت در تعارض با حقوق و آزادی های اساسی مردم، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵، ص ۵۴-۵۷.
۹. سلطانی، ناصر (۱۳۹۱)، «مفهوم برابری در مقابل قانون در متمم قانون اساسی مشروطیت»، مطالعات حقوقی، شماره ۷.
۱۰. شعبانی، قاسم (۱۳۹۲)، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهل و نهم، تهران: انتشارات اطلاعات، ص ۱۰۲.
۱۱. شمس، عبدالله (۱۳۸۷)، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات دراک، ص ۲۰.
۱۲. شمیم، علی اصغر (۱۳۹۰)، ایران در دوره سلطنت قاجار، ناشر: زریاب، ص ۴۷۸.
۱۳. طباطبایی، جواد (۱۳۹۱)، تاملی درباره ی ایران، جلد دوم: نظریه ی حکومت قانون در ایران، بخش نخست: مکتب تبریز و مبنای تجددخواهی، تهران: انتشارات مینوی خرد.
۱۴. فیرحی، داود (۱۳۹۰)، فقه و سیاست در ایران معاصر: فقه سیاسی و فقه مشروطه، تهران: نشر نی.
۱۵. قاسمی، مرضیه، آزادی بیان در قوانین ملی و بین المللی، ۱۳۹۳، ص ۸۷.
۱۶. قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۹)، بایسته های حقوق اساسی، چاپ سی و هفتم، تهران: انتشارات میزان، ص ۱۴۵.
۱۷. قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات دادگستر، ص ۵۶۴-۵۶۵.
۱۸. کسروی، احمد (۱۳۹۸)، تاریخ مشروطه ایران، ص ۳۳۱.
۱۹. مجتهدی، محمدرضا (۱۳۹۱)، حقوق تأمین اجتماعی، چاپ اول، تبریز: انتشارات آیدین، ص ۹۱.
۲۰. محمد نژاد، پرویز (۱۳۸۷)، تضمین های حقوقی متهم در حقوق کیفری ایران، مجله اطلاع و تربیت، شماره ۵۸، ص ۳۵-۳۹.
۲۱. مدنی، سید جلال الدین (۱۳۷۰)، حقوق اساسی و نهادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات همراه، ص ۱۸۷.
۲۲. مدنیان، غلامرضا (۱۳۹۳)، تضمین حقوق و آزادی های اساسی شهروندان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران..
۲۳. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۵)، بررسی فقهی- حقوقی حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشریه متین، شماره ۳۰، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.
۲۴. مهرپور، حسین (۱۳۸۳)، نظام بین الملل حقوق بشر، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات، ص ۳۷۱.
۲۵. مهرپور، حسین (۱۳۷۴)، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات، ص ۱۴۹.
۲۶. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۰)، حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی. نشر میزان. چاپ اول، ص ۴۱.